

به نام هستی بخش

هفت قانون طلایی کامیابی



ادیب تدبیری رودی
بازنویسی اثر بی نظیر دیپاک چوپرا متناسب با فرهنگ ایرانی



بهارساز

ناشر کتاب‌های
روانشناسی، مدیریت و کارآفرینی
بازاریابی و فروش

فهرت مطالب

۵	سخن نویسنده
۶	مقدمه
۱۰	قانون اول: قانون توانایی مطلق
۲۰	قانون دوم: قانون بخشایش
۲۶	قانون سوم: قانون کارما، یا علت و معلول
۳۶	قانون چهارم: قانون کمترین تلاش
۴۴	قانون پنجم: قانون قصد و اشتیاق
۵۱	قانون ششم: قانون عدم وابستگی
۶۰	قانون هفتم: قانون دارما
۶۷	سخن پایانی

سخن نویسنده

اکنون که این کتاب را مینویسم، نزدیک به سه سال از نخستین باری که کتاب زیبای "The Seven Spiritual Laws of Success" اثر دکتر دیپاک چوپرا را خواندم، می‌گذرد. در این سه سال پرفراز و نشیب زندگی‌ام بزرگ‌ترین چالش‌ها را از سر گذرانده‌ام، اما هرگاه که بازمی‌گردم و نگرش‌های اساسی خود را حول این چالش‌ها مرور می‌کنم، به‌جرت می‌توانم بگویم تأثیرگذارترین‌ها و مفیدترین‌ها و پرکاربردترین‌ها، همین هفت قانونی است که دکتر چوپرا در کتاب خویش آورده است. از این هفت قانون بهره‌های بسیار برده‌ام و لذت کاربرد آن‌ها را چشیده‌ام و حال بر خود لازم دانستم تا آن‌ها را در اختیار عزیزانم قرار دهم.

از آنجاکه متن اصلی کتاب بسیار فلسفی و سنگین بود، ترجمه آن را کافی ندیدم و تصمیم گرفتم کتابی متفاوت و در عین حال متناسب با طبع زیباپسندانه هم‌وطنان عزیزم بنویسم و قوانین آن را به نحوی کاربردی و ساده بیان کنم. از سوی دیگر فرصت را غنیمت شمرده و از دانسته‌های شخصی و منابع دیگر نیز بهره بردم تا اثری جامع‌تر و کاربردی‌تر تقدیم شما عزیزان گردد.

در این مسیر خود را بی‌اندازه مدیون ادبیات غنی و گران‌مایه سرزمینمان میدانم که در راستای نگارش این کتاب هر قدمی برداشتم، جای پای بزرگانمان را پیش پای خود دیدم.

مقدمه

آنچه در این کتاب از آن سخن به میان می‌آید هفت قانون بنیادین است که می‌توان با به کار بستن آن‌ها کامیابی را در زندگی خود پدید آورد. نکته مهم این است که این قوانین در ضمیر ما و درون ما هستند و ما کاملاً با آن‌ها آشنا هستیم. تنها، کاربرد یا وجود آن‌ها را از یاد برده‌ایم. با خواندن این کتاب بار دیگر به درون خویشتن رجوع کرده و راه سعادت را می‌یابیم.

عقل دو عقل است اول مکسبی	که در آموزی چو در مکتب صبی
از کتاب و اوستاد و فکر و ذکر	از معانی وز علوم خوب و بکر
عقل تو افزون شود بر دیگران	لیک تو باشی ز حفظ آن گران
عقل دیگر بخشش یزدان بود	چشمه آن در میان جان بود
چون ز سینه آب دانش جوش کرد	نه شود گنده نه دیرینه نه زرد
ور ره نبخش بود بسته چه غم	کو همی جوشد ز خانه دم‌به‌دم
عقل تحصیلی مثال جوی‌ها	کان رود در خانه‌ای از کوی‌ها
راه آبش بسته شد، شد بی‌نوا	از درون خویشتن جو چشمه را

«مولانا»

پیش از آنکه به سراغ این قوانین برویم باید درک بهتری از مفهوم کامیابی داشته باشیم. وقتی سخن از موفقیت و کامیابی و خوشبختی به میان می‌آید، بسیاری از مردم پول و ثروت زیاد را متصور می‌شوند. برخی دیگر هم در مقابل این تصور جبهه گرفته و کامیابی را در قناعت و دوری از تجملات می‌جویند. نگرش این کتاب بر این است که کامیابی در بود و نبود پول

نیست. پول، تنها یکی از ابعاد کامیابی است. سلامتی، انرژی مثبت، شور و اشتیاق، ارتباط موفق، آزادی، خلاقیت، ثبات عاطفی و روانی و احساس آسودگی و آرامش نیز ابعاد دیگری از کامیابی هستند؛ اما این‌ها نیز کافی نیستند و مادامی که انسان بذر خالق بودن خود را شکوفا نکند، به‌راستی احساس خشنودی نمی‌کند. همه ما انسان‌ها نهادی خلاق داریم و زمانی به‌راستی احساس کامیابی می‌کنیم که بتوانیم این بخش از نهاد خود را کشف و شکوفا کنیم.

انسان کامیاب در هر لحظه، خود را عضو تأثیرگذار زندگی و دنیای خویش می‌داند و باور دارد که می‌تواند آنچه را می‌خواهد در دنیای خویش خلق کند. پس دیگر احساس ضعف و ناامیدی در وی راه نخواهد داشت. این همان میل به الوهیت و آفرینش است که انسان‌ها همواره به دنبال آن بوده‌اند. ذاتی توانمند در پس آفرینش تمامی کائنات است و هر کدام از ما نشئه‌ای از همان ذات آفریننده را در وجود خود داریم!

اما چرا از واژه قانون استفاده می‌شود و منظور از قانون چیست؟ نخست اینکه وقتی سخن از قانون به میان می‌آید، منظور فرایندی است که در صورت مهیا شدن ملزومات آن، قطعاً رخ می‌دهد. مثل قانون جاذبه‌ی زمین که وقتی شما جسمی را در ارتفاع رها می‌کنید، ناگزیر به سمت زمین سقوط می‌کند و این امر قطعی است.

نخستین باری که با قوانین موفقیت آشنا شدم، برایم دشوار بود که نام قانون بر آن‌ها بگذارم و برایشان قطعیت قائل باشم. زمانی که تصمیم گرفتم

۱. تمامی ادیان و مکاتب فکری در طول تاریخ در نخستین گامهای خود به تبیین نگاه خود به منشأ جهان هستی و قدرت برتری که این نظم را به وجود آورده پرداخته‌اند. سپس به‌سرعت با این پرسش اساسی مواجه شده‌اند که جایگاه انسان، مسئولیت و ماهیت او در این نظام چیست؟ با اندکی مطالعه پی می‌بریم که معتبرترین نظام‌های فکری آن‌هایی هستند که بیشترین مسئولیت را برای انسان متصور شده‌اند، او را به خلاقیت و تأثیرگذاری و آفرینش دعوت کرده‌اند و ماهیت او را در بیشترین تطابق با ذات برتر آفریننده دانسته‌اند. همچون آنجا که منصور حلاج در اوج ایمان به یگانگی خدا بانگ "انا الحق" برمی‌آورد و یا نمونه‌های دیگر در بسیاری مکاتب دیگر.

این نشان از کشش درونی انسان به خلاقیت و آفرینش دارد که در اوج هرم نیازهای انسان مطرح می‌شود. تعاریف شخصی و یا عقاید مختلف در مورد توانایی مطلق و دانش مطلق و جهان هستی موضوع بحث این کتاب نیست و تلاش بر آن است که با احترام به تمامی عقاید و به دور از مباحث فلسفی، قوانین و راهکارهای موفقیت در اختیار شما عزیزان قرار گیرد.

آن‌ها را به کار ببندم، با خود اندیشیدم که حتی اگر قطعیت این موضوعات برایم مشخص نیست، پذیرش اینکه آن‌ها قانون هستند، احساس بهتری به من می‌دهد و اجرای آن‌ها را برایم دلپذیرتر می‌کند. اکنون دریافته‌ام که این‌ها قانون هستند، قطعی و ناگزیر. پس هرگاه در زندگی احساس خوشایندی نداریم می‌توانیم بازگردیم، این قوانین را مرور کنیم و دریابیم که از کدام یک از آن‌ها دور شده‌ایم.

انسان‌های موفق خودآگاه یا ناخودآگاه از این قوانین بهره می‌برند و به میزان تطابق با این قوانین به کامیابی واقعی نزدیک می‌شوند. این که بسیاری از افراد ناخودآگاه از این قوانین بهره می‌برند نیز نکته دیگری از ویژگی‌های قانون است. همان‌گونه که نیاز نیست برای تنفس به طور بسیار دقیق و کامل از جزئیات هوا و عناصر آن آگاه باشید، برای استفاده از این قوانین هم نیازی ندارد که عمیقاً درگیر فلسفه وجودی آن‌ها شده و تمامی عوامل دخیل در آن‌ها را بدانید. بدین سبب نگاه ما در این کتاب مبتنی بر کاربرد است نه فلسفه. به قول سهراب سپهری

کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ
کار ما شاید این است

که در افسون گل سرخ شناور باشیم...

موضوع مهم‌تر اینکه این قوانین، در حقیقت همان فرایندی هستند که طبیعت برای خلق پدیده‌ها به کار می‌گیرد. فرایندی که در آن ذات قدرت مطلق توسط آن نمود دیداری می‌یابد. در واقع تعریف قانون در کتاب دکتر چوپرا فرایندی است که طی آن، آنچه نادیدنی است خود را به صورت دیدنی متجلی می‌سازد. منشأ آفرینش، ضمیر جان است که ما نمی‌توانیم آن را ببینیم یا بشنویم. فرایند خلقت یا قانونی که از آن سخن می‌گوییم آنجاست که جریان خلقت (ذهن) به ضمیر جان تجلی مادی می‌دهد که جسم ما نیز جزئی از این تجلی مادی است. پس مبدأ: ضمیر جان است، فرایند: ذهن و هدف: جسم. هر سه مؤلفه در واقع یکی هستند و همه از یک جا می‌آیند؛ حیطه توانایی مطلق.

قوانین طبیعی جهان یعنی پویایی و حرکت کل جهان آفرینش یا همان آگاهی پویا. اگر این قوانین را درک کنیم و در زندگی خویش به کاربریم، هر آنچه بخواهیم در زندگی ما خلق می‌شود. چون این‌ها همان قوانینی هستند که طبیعت برای خلق همه چیز از آن‌ها بهره می‌برد. پس هرچه با طبیعت همسوتر شویم، بیشتر در خلق آرزوهایمان موفق خواهیم بود.